

الگوی رتبه‌بندی مراکز آموزشی مبتنی بر اهداف برنامه هفتم توسعه

امیرحسین جمشیدی

گروه علوم تربیتی، واحد کازرون، دانشگاه آزاد اسلامی، کازرون، ایران

amirhossein.jamshidi51@gmail.com

فرحناز مشایخ (نویسنده مسئول)

گروه علوم تربیتی، واحد کازرون، دانشگاه آزاد اسلامی، کازرون، ایران

Fmashayekh1359@yahoo.com

پری مشایخ

گروه علوم تربیتی، واحد کازرون، دانشگاه آزاد اسلامی، کازرون، ایران

pary.mashayekh@iau.ac.ir

چکیده:

زمینه و هدف: مراکز آموزشی زیرساخت و بستر لازم برای توسعه سرمایه‌های انسانی کشور را فراهم می‌نمایند. هدف اصلی پژوهش حاضر طراحی الگوی رتبه‌بندی مراکز آموزشی مبتنی بر اهداف برنامه هفتم توسعه بود.

روش‌شناسی: برای نیل به این مقصود از رویکرد آمیخته متوالی اکتشافی استفاده شد، بدین صورت که در مرحله کیفی با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی، ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های الگوی رتبه‌بندی مراکز آموزشی مبتنی بر اهداف برنامه هفتم توسعه از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۱۶ نفر از خبرگان، احصاء شد، لذا در این مرحله شش بعد، شانزده مولفه و هفتادوپنج شاخص به دست آمد. در مرحله کمی، برای اعتبارسنجی عوامل احصاء شده، از مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شد، بدین صورت که پرسشنامه‌ای براساس عوامل احصاء شده در مرحله کیفی، طراحی و در بین ۱۲۰ نفر مدیران مدارس شهرستان کازرون، توزیع شد تا روابط بین شاخص‌ها و مقوله‌ها ارزیابی شود. داده‌های مرحله کمی با استفاده از نرم افزار Smart Pls نسخه ۳ مورد تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: یافته‌های حاصل از دو مرحله کیفی و کمی نشان داد که الگوی رتبه‌بندی مراکز آموزشی مبتنی بر اهداف برنامه هفتم توسعه شامل جهت‌گیری مرکز (خلق ارزش پایدار و مدیریت و رهبری مرکز)، فرهنگ سازمانی (ارزش‌ها و هنجارهای حمایت‌گری، مشارکت و کار تیمی و انسان‌محوری)، سرمایه انسانی (ویژگی‌های مربیان و ویژگی‌های دانش‌آموزان)، زیرساخت‌ها (فضای آموزشی و تجهیزات آموزشی)، فرایندهای اجرایی (فرایند یادگیری و یاددهی، مدیریت استعدادها، مدیریت عملکرد، توانمندسازی و مدیریت خدمات رفاهی) و نتایج (عملکرد تحصیلی مرکز و عملکرد اجتماعی مرکز) می‌باشد. تحلیل‌های کمی نیز معنی‌داری ارتباط بین شاخص‌ها و مولفه‌های مورد نظر را تایید کردند. **نتیجه‌گیری:** نتایج این پژوهش می‌تواند برای اندازه‌گیری عملکرد و رتبه‌بندی مراکز آموزشی مبتنی بر اهداف برنامه هفتم توسعه مفید باشد.

واژگان کلیدی: رتبه‌بندی، مراکز آموزشی، برنامه هفتم توسعه.

مقدمه

امروزه علم و فناوری از مهم‌ترین عناصر رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، صنعتی و سیاسی کشور به حساب می‌آید. یکی از اصلی‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی، توسعه علم و فناوری است و در برنامه‌ریزی‌های هدفمند و کلان کشور، توجه مناسبی به امر پژوهش و فناوری صورت پذیرفته است (نوابخش و همکاران، ۱۴۰۲). در این راستا و برای انجام این امر توجه به جایگاه مراکز آموزشی کشور به عنوان موتور محرکه توسعه علمی کشور از اهمیت به سزایی برخوردار است. مراکز آموزشی به عنوان زیر نظام آموزش در فرایند توسعه هر کشوری به عنوان مراکزی به تربیت و آماده ساختن نیروی انسانی کارآمد، شایسته و دارای مهارت به منظور پاسخگویی به نیازهای واقعی جامعه در زمینه‌های مختلف می‌پردازند (گارسیا و همکاران، ۲۰۲۴^۱، سیفرید و پوهلندز، ۲۰۲۰^۲). با توجه به ضرورت پاسخگو بودن مراکز آموزشی در قبال برون‌دادها و پیامدهای حاصله و نیز منابع دریافتی، ضروری است راهکاری اندیشیده شود تا به کمک آن به خواسته‌های بخش‌های مختلف جامعه و از جمله خود سیستم پاسخ داده شود. با توجه به نقش و جایگاه مراکز آموزشی و حساسیت زیاد مردم به عملکرد این نهادها، آن‌ها باید در هر دو بعد کمی و کیفی و به صورت موزون و متعادل رشد کنند (ورعی و احمدی، ۱۴۰۲). با توجه به جایگاه و نقش حساسی که مراکز آموزشی کشور در زمینه تعلیم و تربیت، تولید و انتقال دانش و توانمندسازی سرمایه انسانی کشور دارند،

باید متناسب با اهداف و مأموریت خود به طور مستمر فعالیت‌های خود را ارزیابی کرده و نقاط قوت و ضعف خود را شناسایی کنند تا ضمن رتبه‌بندی آنها، بتوان اصلاحات لازم در جهت رشد و توسعه و تحقق اهداف قانون برنامه هفتم توسعه کشور به عمل آورند. بنابراین طراحی الگویی برای رتبه‌بندی مراکز آموزشی مبتنی بر اهداف برنامه هفتم توسعه می‌تواند در این زمینه موثر واقع شود.

امروزه کشورها، در گذرگاه توسعه و با هدف بهبود بخشیدن به شرایط کیفی زندگی انسان، به اجرای برنامه‌های توسعه در حوزه‌های مختلف اقدام می‌نمایند که یکی از آنها، برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش و ارتقای کیفیت و سطح آموزش و پرورش است که در دهه‌های اخیر نیز، رتبه‌بندی عملکرد مراکز آموزشی به ویژگی مشترک بسیاری از سیستم‌های آموزشی در جهان تبدیل شده است (دایز^۳ و همکاران، ۲۰۲۰، جودیجانتو و همکاران، ۲۰۲۴^۴). این رتبه‌بندی معمولاً توسط دولت‌ها در تلاش برای سنجش و مقایسه عملکرد نسبی مدارس با تعدادی معیار از جمله عملکرد تحصیلی منتشر می‌شود (غفاری و شیروانی، ۱۳۹۶). برنامه هفتم توسعه کشور نیز به عنوان چهارمین برش از سند چشم انداز ۲۰ ساله کشور و اولین برنامه در راستای تحقق بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی است که برای تحقق عدالت و با رویکرد مسئله محوری بر موضوعات انسانی و مهم کشور تمرکز نموده است. این برنامه با اتکا به اسناد بالادستی از جمله؛ سند تحول دولت‌مردمی، برنامه‌های اولویت‌دار مشخصی را براساس پیشران‌های توسعه محور انتخاب و

^۳. Díe

^۴. Judijanto et al

^۱. Garcia et al

^۲. Seyfried & Pohlenz

مبنای حرکت توسعه مستمر و باثبات در جامعه تنظیم و تدوین نموده است. علت اصلی طراحی الگوی رتبه‌بندی مراکز آموزشی مبتنی بر اهداف برنامه هفتم توسعه آن است که یکی از راهبردها و سیاست‌های کلی قانون برنامه‌ی هفتم توسعه کشور در بخش آموزش، ارتقا سطح کیفی مراکز آموزشی از طریق توجه به رتبه‌بندی می‌باشد تا با افزایش کیفیت فعالیت‌های مراکز آموزشی، اولویت‌ها و سیاست‌های نظام آموزشی کشور در جهت توسعه، رشد و شکوفایی کشور تحقق یابد؛ طبق ماده ۲۴۰ برنامه هفتم توسعه، وزارت آموزش و پرورش موظف است به منظور ارتقای انگیزش نیروی انسانی و ارتقای بهره‌وری در ارائه خدمات آموزشی و پرورشی نسبت به ایجاد فضای رقابتی میان واحدهای آموزشی در سطح بخش، شهر، شهرستان، استان و کشور از طریق استقرار نظام رتبه‌بندی واحدهای آموزشی براساس شاخص‌های کیفی و کمی اقدام نماید (برنامه هفتم توسعه، ۱۴۰۲). اما بررسی مطالعات انجام شده نشان داده است که علی‌رغم اهمیت کیفیت آموزش و پرورش از طریق رتبه‌بندی و توجه ویژه برنامه هفتم توسعه به این عرصه، پژوهش‌هایی که به طور خاص به این موضوع پرداخته باشند، انگشت شمارند و شواهد تجربی محدودی در مورد چگونگی رتبه‌بندی مراکز آموزشی جهت اعمال نتایج آن در عملکردهای آتی وجود دارد. بنابراین در این تحقیق برآن شدیم جهت پوشش خلأ پژوهشی موجود و تحقق اهداف برنامه هفتم توسعه در حوزه آموزش، با به کارگیری رویکرد آمیخته به طراحی الگویی برای رتبه‌بندی مراکز آموزشی مبتنی بر اهداف برنامه هفتم توسعه بپردازیم؛ تا امکان ارائه هرچه بهتر خدمات آموزشی برای شهروندان فراهم گردد. جایگاه نظام آموزش و پرورش در زمینه ارائه خدمات آموزشی و

تربیتی و تامین رضایت و اعتماد شهروندان به دولت از طریق آن، ضرورت توجه به موضوع را بیش از پیش توجیه‌پذیر می‌سازد. از سوی دیگر با توجه به خلأ تئوریک موجود در این خصوص و نبود یک الگوی مناسب مبتنی بر اهداف برنامه هفتم توسعه، انجام این پژوهش به منظور پوشش خلأ دانشی مزبور، حایز اهمیت می‌باشد. چرا که تنها الگوی رتبه‌بندی موجود در وزارت آموزش و پرورش، الگوی مدرسه تراز سند تحول بنیادین است که شامل ترسیم وضع مطلوب، الگوی ارزیابی برای توصیف وضع موجود و چارچوب برنامه راهبردی و عملیاتی برای رسیدن به وضع مطلوب می‌باشد که مراحل اجرای آزمایشی خود را طی می‌نماید. در الگوی مذکور مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدرسه تراز در محورهای مدیریت و رهبری تربیتی مدرسه، برنامه‌های درسی و تربیتی مدرسه، کنشگران اصلی مدرسه (مربیان، متربیان، والدین و جامعه محلی)، محیط فیزیکی و فرهنگی مدرسه و نتایج مورد انتظار از مدرسه، مبتنی بر اهداف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش تدوین شده و به دنبال سنجش میزان تحقق اهداف راهبردی سند مذکور است. در حالی که برنامه هفتم توسعه ایجاد فضای رقابتی میان واحدهای آموزشی از طریق استقرار نظام رتبه‌بندی واحدهای آموزشی را دنبال می‌نماید که مستلزم تدوین الگوی رتبه‌بندی در این زمینه است. این الگو از چند جنبه می‌تواند برای مراکز آموزشی مفید باشد؛ نخست این که مراکز آموزشی می‌توانند از طریق این الگو، نقاط قوت و ضعف خود را شناسایی کرده و فرآیندهای آموزشی را بهبود بخشند؛ دوم اینکه رتبه‌بندی مراکز آموزشی براساس معیارهای این الگو می‌تواند رقابت سالم بین آن‌ها را تشویق کرده و به ارتقاء کیفیت خدمات آن‌ها کمک کند؛

سوم این که این الگو می‌تواند به اعتبارسنجی علمی مراکز آموزشی و حصول اطمینان از رعایت استانداردهای لازم کمک کرده و به افزایش شفافیت در عملکرد مراکز آموزشی و جلب اعتماد عمومی کمک کند. به طور کلی ارائه الگوی رتبه‌بندی مراکز آموزشی مبتنی بر اهداف برنامه هفتم توسعه، نه تنها می‌تواند به بهبود کیفیت آموزش کمک کند، بلکه می‌تواند موجب افزایش رقابت‌پذیری، پاسخگویی به نیازهای جامعه و افزایش شفافیت در عملکرد مراکز آموزشی نیز بشود. علاوه بر این افزایش شناخت موجود در این زمینه می‌تواند به اجرای اهداف برنامه هفتم توسعه در حوزه آموزش و پرورش کمک نموده و زمینه مناسبی برای تحقیقات آینده نیز ایجاد کند. براین اساس سوال‌های تحقیق به شرح زیر است:

الگوی رتبه‌بندی مراکز آموزشی مبتنی بر اهداف برنامه هفتم توسعه شامل چه ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌هایی می‌باشد؟

الگوی رتبه‌بندی مراکز آموزشی مبتنی بر اهداف برنامه هفتم توسعه از چه اعتباری برخوردار است؟

پیشینه پژوهش

پیشینه نظری پژوهش

هر سازمانی به‌منظور آگاهی از میزان مطلوبیت و کیفیت فعالیت‌های خود بلاخص در محیط‌های پیچیده پویا، نیاز مبرم به نظام ارزیابی دارد. نظام ارزیابی عملکرد ابزاری برای سنجش کارایی و اثربخشی یک اقدام و عمل

است، بنابراین ارزیابی عملکرد هم قابل سنجش است و هم قابل اثبات (کلوجرتی و کرجیک^۱، ۲۰۲۳). ارزیابی عملکرد، نقش حیاتی برای ادامه بهبود مدیریت کارآمد و مؤثر در شرکت‌های تولیدی است و فرایندی است که برای ارزیابی پیشرفت به سوی دستیابی به اهداف تعیین شده مشتمل بر اطلاعاتی در مورد کارایی تبدیل شدن محصولات و خدمات ارائه شده و میزان رضایتمندی مشتریان، دستاوردها و اثربخشی فعالیت‌ها در راستای اهداف مشخص آن‌ها است. ارزیابی و اندازه‌گیری عملکرد، موجب هوشمندی سیستم و برانگیختن رفتارهای مطلوب می‌شود و بخش اصلی تدوین و اجرای سیاست سازمانی است (موسکاتو^۲، ۲۰۲۳). بهبود مستمر عملکرد سازمان‌ها، نیرویی عظیم هم‌افزایی ایجاد می‌کند که این نیروها می‌تواند پشتیبان برنامه رشد و توسعه و ایجاد فرصت‌های تعالی سازمانی شود. دولت‌ها و سازمان‌ها و مؤسسات تلاش جلو برنده‌ای را در این مورد اعمال می‌کنند. بدون بررسی و کسب آگاهی از میزان پیشرفت و دستیابی به اهداف و بدون شناسایی چالش‌های پیش‌روی سازمان و کسب بازخور و اطلاع از میزان اجرای سیاست‌های تدوین شده و شناسایی مواردی که به بهبود جدی نیاز دارند، بهبود مستمر عملکرد میسر نخواهد شد. تمامی موارد مذکور بدون اندازه‌گیری و ارزیابی امکان پذیر نیست (ستوده و همکاران، ۱۴۰۳).

ارزیابی عملکرد آموزش و پرورش ابزاری ضروری برای مدیریت و سازماندهی صحیح نهادها و پاسخگویی آنها در جهت دستیابی به اهداف نهادی است. ارزیابی به عنوان یک فرآیند سازمان یافته و سیستماتیک، جنبه مهمی از سیاست‌های سازمان‌های بین‌المللی است (فازی

² . Moscato

¹ . Clougherty & Grajek

برای اندازه‌گیری عملکرد مراکز آموزشی ارائه نموده‌اند. برای مثال رولف^۵ و همکارانش (۲۰۲۳) معیارهایی مانند روحیه و رضایت کارکنان مرکز، کمیت و کیفیت خدمات دانشی را به‌عنوان معیار ارزیابی عملکرد مراکز آموزشی مطرح کرده‌اند. همچنین محقق دیگر بر شاخص‌هایی مانند رضایت معلمان، رضایت فراگیران و مانند این‌ها تأکید کرده است.

مدل‌های مختلفی برای ارزیابی عملکرد سازمانی وجود دارد: طبق مدل ارزیابی عملکرد سینک و تاتل (۱۹۸۹) عملکرد یک سازمان شامل ارتباط درونی پیچیده‌ای بین هفت معیار عملکرد (اثربخشی، کارایی، کیفیت، بهره‌وری، کیفیت زندگی کاری، نوآوری و سوددهی) می‌باشد. در ارزیابی عملکرد مراکز آموزشی، اطلاعاتی در مورد بازدهی فعالیت‌های علمی، آموزشی و کیفیت برنامه‌های مطالعاتی فراهم می‌شود. در اروپا و آمریکا، مدل تعالی سازمانی (۲۰۱۰) در زمینه آموزش برای ارزیابی و اطمینان از کیفیت استفاده شده است. این مدل شامل توانمندسازها و نتایج می‌باشد. توانمندسازهای مدل شامل پنج معیار رهبری، کارکنان، استراتژی، مشارکت و منابع و فرآیندها می‌باشند. نتایج نیز شامل نتایج کارکنان، نتایج مشتری و نتایج جامعه می‌باشد. هدف نهایی از برآوردن انتظارات دانش‌آموزان و دانشجویان، بهینه‌سازی عملکرد آنها و فراهم کردن تمام منابع لازم برای پیشرفت بیشتر آنهاست. مدل تعالی سازمانی (۲۰۲۰) نیز شامل سه بعد جهت‌گیری، اجرا و

و همکاران^۱ (۲۰۲۳). طبق دیدگاه گودمن و سیانسی^۲، سازمان‌های آموزشی برای اقتصادی بودن و کارایی و تحقق برابری آموزشی نیازمند ارزیابی عملکرد هستند. آنها در تحقیقات خود در مورد مسائل آموزشی به این نتیجه رسیدند که بین ارزیابی عملکرد آموزش در شایستگی‌های بزرگسالان ارتباط معنادار وجود دارد. همچنین بین مشارکت کودکان در برنامه‌های آموزشی باکیفیت و رشد شناختی و عاطفی آنها ارتباط معناداری وجود دارد (دمیر و همکاران^۳، ۲۰۲۱).

امروزه توجه به کیفیت آموزش و ارزیابی آن در حال افزایش است. اما در گذشته سنجش توانایی‌ها و مهارت‌های دانش‌آموزان جزو دغدغه‌های جوامع و دولت‌ها نبود و علاقه‌ای به ارزشیابی نظام آموزشی و رضایت دانش‌آموزان از اهداف و آرزوهایشان نیز وجود نداشت. شاخص‌های اندازه‌گیری عملکرد کیفیت آموزش قبلاً منحصراً مربوط به تدریس بود؛ اما در طول سال‌های اخیر توجه خود را به سمت مشتریان (دانش‌آموز و معلمان) با هدف برآورده کردن انتظارات آنها و ارائه خدمات بهینه معطوف کرده است. در ادبیات بین‌المللی، استفاده روزافزون از ابزارها و روش‌های آماری به منظور ارزیابی مدیریت کیفیت جامع سازمان‌ها وجود دارد. امروزه سازمان‌های آموزشی و دولت‌ها مبالغ مالی زیادی را برای ارائه خدمات بهتر به ذینفعان آموزش اختصاص داده‌اند (بلی و مونز^۴، ۲۰۲۳). محققان و دانش‌گاہیان با هدف دستیابی به ابزارهای ارزیابی کیفیت آموزشی و ایجاد برابری و عدالت آموزشی شاخص‌های مختلفی را

5. Rolfe,

6. SNK & TATTLE

7. EFQM (European Foundation for Quality Management)

1. Fauzi et al

2. Goodman & Sianesi

3. Demir et al

4. Bellei & Munoz

پروورش با انجام تحقیق کیفی در یافتند که مدیریت سیستم مالی در ورزش دانش آموزی، تجهیزات و فضاهای استاندارد، مدیریت نیروی انسانی و ذی نفعان، توسعه برنامه درسی تربیت بدنی، ترویج فوق برنامه ورزشی مدارس، ارتباطات و مشارکت‌های سازمانی، ترویج تحقیق و توسعه، و بهره‌مندی از نیروی داوطلبی، محورهای اصلی سیستم ارزیابی عملکرد ورزش دانش آموزی را تشکیل می‌دهند. پایخون و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «شنا سایی، اعتباریابی و رتبه‌بندی پیشران‌های آموزش کسب مزیت رقابتی مراکز آموزش عالی با انجام مطالعه‌ای آمیخته و اکتشافی، متغیرهای «مدیریت و رهبری هو شمند» و «پیامدها» را به عنوان بااهمیت‌ترین پیشران کسب مزیت رقابتی آموزش، تعیین نموده‌اند. در مطالعه رشیدی و رشیدی (۱۴۰۱) با عنوان مدلی برای رتبه‌بندی گروه‌های آموزشی در دانشگاه‌های ایران ضمن انجام پژوهش کیفی و بکارگیری روش تحلیل محتوای کیفی و روش تحلیل تفسیری مهمترین مؤلفه‌های مدل به شرح زیر تعیین گردیده است: رسالت، اهداف و جایگاه سازمانی؛ دوره‌های آموزشی و برنامه‌های درسی و غیردرسی؛ هیئت علمی؛ دانشجویان؛ راهبردهای یادگیری/یاددهی؛ امکانات و تجهیزات آموزشی؛ پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها، سمینارها، قرارداد های پژوهشی و کرسی ها و دانش‌آموختگان. اژدري و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان ارزیابی عملکرد مراکز آموزشی با استفاده از شبکه عصبی مصنوعی در یکی از سازمان‌های دولتی کشور، تعداد منابع انسانی، منابع مالی، تجهیزات و

نتایج می‌باشد. بعد جهت‌گیری شامل دو معیار مبنای وجودی، چشم‌انداز و استراتژی و فرهنگ سازمانی و رهبری است. بعد اجرا شامل سه معیار تعامل نزدیک با ذینفعان، ارزش آفرینی پایدار و پیشبرد عملکرد و تحول است و بعد نتایج نیز شامل دو معیار برداشت‌های ذینفعان و عملکرد استراتژیک و عملیاتی است (تارازا و همکاران، ۲۰۲۴). مدل ارزیابی عملکرد سازمانی میتال و همکاران^۲ (۲۰۲۴) رهبری متعهد به عنوان متغیر برتر و مهم‌ترین متغیر سازمانی شناخته شده و پس از آن فرهنگ همکاری و کیفیت خدمات در سطح بعدی تعیین شد. رهبران آموزشی با تمرکز بر همه ذینفعان، دانش آموزان، معلمان و والدین در ارائه شیوه‌های آموزشی صحیح نقش مهمی در تحقق برابری آموزشی ایفا می‌کنند. رهبران آموزشی با ترویج دیدگاه مشترک، نوآوری، استفاده از فناوری پیشرفته و مشارکت فعال خود در ترویج راهبردهای متناسب با داده‌های هر مدرسه و جامعه، به اساتید و معلمان کمک می‌کنند تا بتوانند با نابرابری آموزشی مبارزه کنند (سیمونسو و همکاران، ۲۰۲۴).

پیشینه تجربی

در این بخش به مرور پژوهش‌های گذشته پیرامون مسئله پژوهش در سطح داخل و خارج از کشور پرداخته شده است.

رواسی زاده و همکاران (۱۴۰۳) در مطالعه‌ای با عنوان تدوین شاخص‌ها و معیارهای ارزیابی عملکرد دفتر تربیت بدنی و فعالیت‌های ورزشی وزارت آموزش و

³ . Simionescu et al

¹ . Taraza et al

² . Mittal et al

امکانات آموزشی، تولید محتوای آموزشی، میزان اجرای فرایند آموزشی، تعداد اساتید، رضایت شرکت کنندگان در دوره‌های آموزشی را جزو مهمترین معیارهای ارزیابی عملکرد مراکز آموزشی تعیین نمودند. پورپاشا و علی اکبری (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان بکارگیری تکنیک دیمتل در شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر کیفیت آموزش در مراکز فنی حرفه‌ای غرب استان مازندران نشان دادند که سه شاخص، عوامل آموزشی، عوامل مدیریتی و شایستگی حرفه‌ای مربیان از عوامل مؤثر بر کیفیت آموزش مهارتی حسابداری می‌باشد. مطالعه بزرگی نژاد و همکاران (۱۴۰۱) با عنوان ارائه الگویی برای رتبه‌بندی مدارس غیر دولتی با رویکرد ذی‌نفعان و اسناد بالادستی نشان داد که از دیدگاه ذی‌نفعان، سه معیار خدمات آموزشی و پرورشی، برون‌دادها و ارگونومی دانش‌آموزان به ترتیب، در اولویت‌های بالاتری قرار داشتند. در مطالعه شفيعی و بازيار (۱۳۹۷) با عنوان طراحی یک مدل تحلیل پوششی داده‌های غیر محدب (FDH) برای ارزیابی عملکرد دبیرستان‌های شهرستان رستم ضمن ارائه مدلی ریاضی برای ارزیابی کارایی دبیرستان‌های شهر رستم، معیارهای ارزیابی در سه دسته شامل عوامل محیطی (تعداد معلمان دارای مدرک کارشناسی ارشد و دکتری، تعداد متخصصین تعلیم و تربیت، تعداد والدین دارای ارتباط با مدرسه)، عوامل آموزشی (تعداد امتحانات هفتگی در طول ترم، درصد دانش‌آموزان دارای معدل ۱۷ و بالاتر)، عوامل مالی (بودجه مدرسه)، کیفیت (تعداد قبول شدگان پایه‌های اول تا سوم و پیش‌دانشگاهی) و معدل کل

دانش‌آموزان دسته‌بندی نموده‌اند. پژوهش غفاری و شیروانی (۱۳۹۶) با عنوان ارزیابی عملکرد مدارس غیردولتی شهر تهران با مدل ترکیبی کارت امتیازی متوازن (BSC) و تحلیل پوششی داده‌های بازه‌ای (IDEA) نشان داد که شاخص‌های مورد مطالعه شامل شهریه، امکانات مدرسه شامل آزمایشگاه، کارگاه، کتابخانه، تجهیزات هوشمند، دانش‌آموزان (میزان موفقیت در المپیادها و جشنواره‌ها)، شهرت و اعتبار و رضایت اولیا و در صد قبولی در کنکور، استاندارد سازی (دا شتن طرح درس، تنظیم برنامه هفتگی و فوق برنامه، تشکیل شورای مدرسه و معلمان و تشکیل انجمن اولیا و مربیان)، ظرفیت و خدمات، تکنولوژی و توانمندسازی معلمان به عنوان مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی عملکرد می‌باشد.

سان^۱ و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان ارزیابی کارایی سیستم‌های آموزش عالی در چین: یک مدل DEA موازی مرزی دو گانه انجام داده‌اند و ضمن دسته‌بندی دو نوع زیرسیستم آموزش عالی عادی و زیر سیستم آموزش عالی حرفه‌ای نشان دادند که مهمترین شاخص‌های کارایی سیستم‌های آموزش عالی در چین شامل سیاست‌ها و برنامه‌های آموزشی، تجهیزات و محتوای آموزشی و نتایج می‌باشد. در مطالعه هوستون^۲ و همکاران (۲۰۲۲) با عنوان وضعیت، رشد، و ادراک از کیفیت مدرسه بر رشد فزاینده معیارهای رشد پیشرفت در سیستم‌های پاسخگویی مدارس در ایالت‌ها و مناطق مختلف تاکید شده است، همچنین تأثیرات ارائه اطلاعات به شرکت کنندگان در مورد وضعیت میانگین

² Houston¹ Sun

پیشرفت مدارس دولتی محلی آنها و/یا میانگین رشد پیشرفت مورد تایید قرار گرفته است. پژوهش دی سواز^۱ و همکاران (۲۰۲۱) با عنوان ارزیابی عملکرد آموزشی دوره‌های مختلف مدارس برزیل با استفاده از روش‌های علم داده، نشان داد که شاخص‌های مورد مطالعه شامل عوامل اقتصادی و اجتماعی و آموزشی مرتبط هستند که به عملکرد خوب مدرسه کمک می‌کنند، با این حال هیچ اتفاق نظری در مورد تأثیر این عوامل وجود ندارد. طبق نتایج به دست آمده، مدل غیر خطی بهترین عملکرد را پیش‌بینی کرد که با معیارهای خطا و ضریب تعیین اندازه‌گیری شد. ناهمگونی اهمیت متغیر بین دوره‌های مدرسه و مناطق کشور تشخیص داده شد، این تأثیر می‌تواند به توسعه سیاست‌های آموزشی عمومی کمک کند. همچنین انجیرو^۲ و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان رتبه‌بندی عملکرد در آموزش: پیامدهای سیاست و عمل به مطالعه و بررسی درک معلمان و دانش‌آموزان از رتبه‌بندی عملکرد در مدارس متوسطه پرداخته‌اند. داده‌های حاصل از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، بحث گروهی متمرکز و نظرسنجی نشان داد که چگونه رتبه‌بندی عملکرد مدارس در کنیا در طول سال‌ها به ضرر کیفیت آموزش و یادگیری مورد سوء استفاده قرار گرفته است. در نهایت، این مقاله پیامدهای رتبه‌بندی عملکرد مدرسه را برای سیاست و عمل برجسته می‌کند. مطالعه جیلال^۳ و همکاران (۲۰۱۹) با عنوان داده‌کاوی آموزشی: تحلیل پیش‌بینی عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان مدارس دولتی در پایتخت برزیل در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶

نشان داد که اگرچه ویژگی‌های «نمرات» و «غیبت» بیشترین ارتباط را برای پیش‌بینی نتایج تحصیلی پایان سال دانش‌آموز داشتند، اما تجزیه و تحلیل ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نشان می‌دهد که «همسایگی»، «مدرسه» و «سن» جزو مهمترین شاخص‌های بالقوه موفقیت یا شکست تحصیلی دانش‌آموز هستند. در مطالعه دیگری که توسط فیجلیو^۴ و همکاران (۲۰۱۹) با عنوان جهت‌گیری بلند مدت و عملکرد آموزشی انجام شده است، نقش جهت‌گیری بلندمدت موسسه آموزشی بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان مهاجر تایید شده است. با کنترل کیفیت مدارس و ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی، دانش‌آموزان دارای فرهنگ‌های بلندمدت در خواندن و ریاضی در کلاس سوم بهتر عمل می‌کنند، در طول زمان نمرات بیشتری در آزمون کسب می‌کنند، غیبت‌ها و حوادث انضباطی کمتری دارند، احتمال تکرار نمرات کمتری دارند، احتمال بیشتری دارد در دوره‌های پیشرفته دبیرستان ثبت نام کنید و احتمال اینکه در چهار سال دیگر از دبیرستان فارغ التحصیل شوید. همچنین انتخاب‌های آموزشی والدین برای فرزندان‌شان و هم‌یادگیری اجتماعی از همسالان مکانیسم‌های مهمی هستند.

تحلیل پیشینه مطالعات مرتبط با ارزیابی عملکرد و رتبه‌بندی مراکز آموزشی نشان می‌دهد که الگوهای متعددی در این حوزه طراحی و ارائه گردیده؛ اما پژوهشی با عنوان الگوی رتبه‌بندی مراکز آموزشی مبتنی بر اهداف برنامه هفتم توسعه در شهرستان

³ Gilal

⁴ Figlio

¹ de Souza

² Njiru

کازرون یافت نشد. تنها الگوی موجود، سند مدرسه تراز سند تحول بنیادین آموزش و پرورش هست که نیمه دوم سال ۱۴۰۲ جهت اجرای آزمایشی ابلاغ شده و سنجش میزان اجرایی شدن سند در مدارس را می‌سنجد. در حالی که برنامه هفتم توسعه بر ایجاد فضای رقابتی بین مدارس از طریق ایجاد نظام رتبه‌بندی مراکز آموزشی تاکید شده است که مستلزم تدوین الگوست. شکاف‌های موجود در ادبیات ارزیابی عملکرد سازمانی مدارس و رتبه‌بندی آن شامل چگونگی اتصال آن به عوامل خاص و بومی و بستر مورد مطالعه است. علاوه بر این، تعداد کمی از مطالعات تجربی تا به امروز ارزیابی عملکرد سازمانی را از منظر استقرایی و قیاسی در بستر دانشگاهی بررسی کرده‌اند. همچنین تحقیقات قبلی سعی در بررسی عوامل اثرگذار و پیامدهای آن داشته‌اند. با این وجود، تلاش کمتری جهت بررسی چپستی شاخص‌های رتبه‌بندی مراکز آموزشی شامل ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های سنجش کیفیت مراکز آموزشی (مدارس) صورت گرفته است و مطالعه‌ای مبتنی بر برنامه هفتم توسعه یافت نشد. بنابراین انجام این تحقیق می‌تواند به توسعه دانش موجود در این زمینه کمک نماید.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر، از نظر هدف «کاربردی»، از نظر زمان «مقطعی»، از نظر مکان اجرا «میدانی» و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، آمیخته متوالی اکتشافی (کیفی - کمی) بود که مراحل انجام آن به شرح ذیل است:

مرحله کیفی

در این مرحله، با توجه هدف اصلی پژوهش مبنی بر طراحی الگوی رتبه‌بندی مراکز آموزشی مبتنی بر اهداف

برنامه هفتم توسعه، از رویکرد کیفی از نوع تحلیل محتوا استفاده شد. استخراج و تحلیل داده‌ها طبق رویکرد استقرایی (جزء به کل) انجام شد. مشارکت کنندگان پژوهش شامل صاحب‌نظران آگاه به موضوع و قلمرو اجرایی پژوهش بود. صاحب‌نظران شامل اساتید دانشگاهی (مدیریت آموزشی و مدیریت کیفیت) و مدیران مراکز آموزشی بودند. برآورد حجم نمونه براساس رسیدن مفاهیم استخراجی به اشباع نظری (با ۱۶ نفر) انجام شد. روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند و قضاوتی بود. ابزار پژوهش در بخش کیفی شامل مصاحبه اکتشافی از طریق یک چارچوب سؤالات باز پاسخ به همراه پیوست اطلاعات مرتبط بود. بدین صورت که پرسش اصلی پیرامون شاخص‌های رتبه‌بندی مراکز آموزشی مبتنی بر اهداف برنامه هفتم توسعه مطرح شد و متناسب با پاسخ آن‌ها، سؤال‌های جزئی‌تری طرح شد. در مصاحبه، با ارائه بازخورد به مصاحبه‌شوندگان و قراردادن آن‌ها در مسیر پژوهش به‌طوری که بر نحوه پاسخگویی آن‌ها تأثیر نگذارد، به منظور افزایش روایی درونی اقدام شد. ضمناً، پس از انجام هر مصاحبه، الگوی به دست آمده تا آن مرحله ارائه می‌شد و در صورتی که مصاحبه‌شونده نکاتی را نسبت به الگو داشت، مورد بحث قرار می‌داد. این کار پس از انجام مصاحبه انجام می‌شد تا مصاحبه خالی از هر گونه پیش‌فرض و جهت‌گیری انجام شود. از آنجایی که مؤلفه پایایی به‌گستره تکرارپذیری یافته‌های پژوهش اشاره دارد و در انجام مطالعات کیفی پژوهش‌گر به تفسیر موضوع مورد مطالعه می‌پردازد؛ کار گردآوری داده‌ها تا زمانی ادامه یافت که پژوهش‌گر اطمینان حاصل کند که ادامه کار چیز تازه‌ای به دانسته‌های او نمی‌افزاید. پس از انجام ۱۶ مصاحبه در طی دوره شش ماهه، تحلیل داده‌ها نشان داد که داده جدیدی به داده‌های قبلی اضافه نشد؛ زیرا در صد بالایی از داده‌های مستخرج از مصاحبه‌های آخر تکراری بود. بنابراین، با رسیدن به حد اشباع نظری، به مصاحبه‌ها

پایان داده شد. مشخصات جمعیت شناختی مصاحبه‌شوندگان در جدول ۱ نشان داده شده است. برای احصاء نقطه نظرات مشارکت‌کنندگان در پژوهش از ابزار مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد که به شیوه قیاسی اجرا شد. در به منظور افزایش روایی یافته‌ها از روش‌های زیر استفاده شد: ۱- استفاده از منابع مختلف برای جمع‌آوری داده‌ها. ۲- بررسی داده‌ها توسط یک دستیار ۳- مشارکت یک متخصص آشنا (دکتری مدیریت آموزشی) به روش و موضوع پژوهش ۴- شناسایی جهت‌گیری‌ها از طریق پرسش سؤال‌های مکرر در حین تحلیل داده‌ها. روایی پژوهش از طریق انتخاب شایسته نمونه، کنترل روایی درونی حین

انجام مصاحبه، توافق بین مصححان کدگذاری (۲) پژوهشگر خبره مدیریت آموزشی) و محاسبه ضریب کاپا کنترل و تأیید گردید.

$0.71 = (\text{میزان توافق مورد انتظار} - 1) / (\text{میزان توافق مورد انتظار} - \text{میزان توافق دو ارزیاب}) = \text{ضریب کاپا}$

جهت تحلیل مفاهیم مستخرج از سه مرحله کدگذاری و دسته‌بندی استفاده گردید: کدگذاری اولیه (استخراج مفاهیم)، کدگذاری متمرکز (استخراج مقوله‌های فرعی)، کدگذاری محوری (استخراج مقوله‌های اصلی). همزمان با گردآوری داده‌ها، کار کدگذاری آن‌ها (طبقه‌بندی تفکیک یا ادغام؛ مقایسه تفاوت‌ها و تشابهات و سایر) طی سه مرحله نیز انجام می‌گردید.

جدول ۱. ویژگی‌های افراد شرکت‌کننده در پژوهش

شماره شرکت‌کننده	جایگاه سازمانی	جنسیت	شماره شرکت‌کننده	جایگاه سازمانی	جنسیت
۱	مدیر	مرد	۹	هیئت‌علمی	زن
۲	مدیر	زن	۱۰	هیئت‌علمی	مرد
۳	مدیر	مرد	۱۱	مدیر	مرد
۴	مدیر	مرد	۱۲	مدیر	مرد
۵	مدیر	مرد	۱۳	هیئت‌علمی	مرد
۶	مدیر	مرد	۱۴	هیئت‌علمی	مرد
۷	هیئت‌علمی	زن	۱۵	مدیر	زن
۸	مدیر	زن	۱۶	هیئت‌علمی	مرد

مرحله کمی

در این مرحله، در راستای اعتبارسنجی الگوی استخراج‌شده در مرحله کیفی، از مدل‌سازی معادلات ساختاری و تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. براین اساس ابزار گردآوری داده‌ها در مرحله کمی، پرسشنامه‌ای بود که مبتنی بر عوامل احصاء شده در مرحله کیفی و در طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم طراحی شده بود. نمونه آماری در مرحله کمی پژوهش، شامل ۱۲۰ نفر از مدیران شاغل در مراکز آموزشی دولتی شهرستان کازرون بودند

که در کنار دانش و تجربه لازم پیرامون پدیده موردبررسی، از تمایل لازم برای مشارکت در پژوهش نیز برخوردار بودند. از این‌رو، با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع گلوله برفی انتخاب شدند. برای بررسی روایی پرسشنامه از روایی محتوایی استفاده شد، بدین صورت که سؤال‌های پرسشنامه در اختیار دو نفر متخصص حوزه مدیریت آموزشی و مدیریت کیفیت قرار گرفت و آن‌ها به تأیید سؤال‌ها پرداختند. همچنین، پایایی پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ مقدار ۰/۸۳۸ محاسبه گردید که مقداری مناسب است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های این مرحله از مدل‌سازی

خبره دیگری پاسخ خود را این طور بیان کرد که: « آنچه که یک مدرسه خوب را می سازد معلم های متخصص و متعهدی است که دلسوزانه تجربیات و دانش خود را در اختیار دانش آموزان برای داشتن آینده ای روشن قرار می دهند».

یکی دیگر از خبرگان اینگونه پاسخ داد که: « استعدادیابی دانش آموزان و فراهم آوردن زمینه ها برای به فعلیت رساندن و شکوفا کردن تمام استعدادهای آنان و سوق دادن آنها به سوی استعدادهایشان جزو مهمترین ویژگیهای مدارس خوب است».

پس از استخراج محتوای مصاحبه‌ها، کدهای اولیه استخراج شد. کدگذاری اولیه به دنبال آن است که داده ها و پدیده ها را در قالب مفاهیم عرضه نماید. عبارات یا گزاره‌ها (کلمات منفرد یا مجموعه‌ای کوچک از چند کلمه) بر اساس واحدهای معنایی دسته‌بندی می‌شوند، تا مفاهیم (کدها) به آن الصاق شوند. گاه بر اساس کدگذاری اولیه، ده‌ها کد به دست می‌آید. سپس، کدگذاری متمرکز انجام شد. با کدگذاری متمرکز است که روابط و نسبت‌های میان مقوله‌ها باز می‌شوند. زمانی که یک مقوله شناسایی شد، محقق به داده‌ها بر می‌گردد تا مقوله‌هایی را اطراف آن شناسایی کند. در حالی که کدگذاری اولیه، داده‌ها را به مقوله‌های مختلف تفکیک می‌کند، کدگذاری محوری، مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها را به یکدیگر مرتبط می‌کند. نتایج کدگذاری در مرحله کیفی پژوهش نشان داد که از مجموع ۷۵ کد استخراج‌شده از مصاحبه با مشارکت‌کنندگان در پژوهش، ۹ کد به جهت‌گیری مرکز، ۱۰ کد به فرهنگ سازمانی، ۱۰ کد به سرمایه انسانی، ۱۴ کد به زیرساخت‌های آموزشی، ۲۳ کد به فرایندهای اجرایی و ۹ کد به نتایج اختصاص داشت. در جدول (۲) مقوله‌های اصلی، فرعی و کدهای استخراجی نشان داده شده است.

معادلات ساختاری (تحلیل عاملی تاییدی) با نرم‌افزار Smart Pls نسخه ۳ استفاده شد. قبل از انجام محاسبات روش مدل سازی معادلات ساختاری، کفایت حجم نمونه با بهره‌گیری از شاخص KMO و آزمون بارتلت و همچنین، نرمال بودن داده‌ها با آزمون کولکوگروف- اسمیرنوف بررسی شد که نتایج نشان داد که حجم نمونه کافی است و داده‌ها برای انجام محاسبات مدل سازی معادلات ساختاری مناسب است.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های مرحله کیفی

یافته‌های بخش کیفی پژوهش در راستای پاسخ به سؤال اول پژوهش (الگوی رتبه‌بندی مراکز آموزشی مبتنی بر اهداف برنامه هفتم توسعه شامل چه ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌هایی می‌باشد؟) از طریق تحلیل محتوای کیفی به دست آمد به این صورت که، پس از مرور مبانی نظری و پیشینه تحقیق، از روش تحلیل محتوای کیفی، به منظور طراحی الگوی استفاده شد. برای طراحی الگوی پژوهش با روش تحلیل محتوای کیفی، نیاز است ضمن آماده سازی داده‌ها، سه مرحله کدگذاری اولیه (استخراج مفاهیم)، کدگذاری متمرکز (استخراج مقوله‌های فرعی)، کدگذاری محوری (استخراج مقوله‌های اصلی) انجام شود. در این تحقیق پس از طراحی سوالات، نسبت به انجام مصاحبه‌های عمیق با خبرگان اقدام شد. مطالب بیان شده در مصاحبه‌ها مبنای انجام مراحل کدگذاری و نیز طراحی الگو قرار گرفت. متن مصاحبه‌ها توسط محقق به دقت بررسی شد و از محتوای آن‌ها یادداشت برداری انجام شد. مثلاً، در پاسخ به این سؤال که: مهمترین شاخص‌های رتبه‌بندی مدارس کدامند؟ یکی از خبرگان اینطور بیان کرد که: «مدرسه باید تلاش کند در کنار تبدیل شدن به یک مکان امن برای دانش آموزان و دادن آرامش به آن‌ها، با داشتن تفکر استراتژیک به موفقیت آنان در زندگی آینده‌شان کمک کند».

جدول ۲. کدها، مقوله‌های اصلی و فرعی الگوی رتبه‌بندی مراکز آموزشی

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی	مفاهیم (کدها)	مبانی نظری و پیشینه
جهت‌گیری مرکز	خلق ارزش پایدار	ارزش‌آفرینی برای دانش‌آموزان	*
		ارزش‌آفرینی برای مرکز	*
		ارزش‌آفرینی برای جامعه	*
	مدیریت و رهبری مرکز	شناخت نیازهای دانش‌آموزان	-
		کمک به دانش‌آموزان	-
		داشتن تفکر بلندمدت (استراتژیک)	-
		مشارکت دادن دانش‌آموزان در امور مرکز	*
		مشارکت دادن والدین در امور مرکز	*
		کنترل استراتژیک مرکز	-
فرهنگ سازمانی مرکز	ارزش‌ها و هنجارهای حمایت‌گری	توجه مرکز به توسعه و تعالی دانش‌آموزان	-
		حمایت از توسعه و تعالی معلمان	*
		توجه به ارزش‌ها و هنجارهای جامعه	-
	مشارکت و کار تیمی	همکاری و کار تیمی	*
		اشتراک ایده‌ها و نظرات	*
		مسئولیت‌پذیری در تیم	*
	انسان‌محوری	توجه به مشکلات دانش‌آموزان	-
		توجه به امنیت جسمی دانش‌آموزان	-
		توجه به امنیت روانی دانش‌آموزان	*
		محوریت دانش‌آموزان در برنامه‌ریزی‌های مرکز	-
سرمایه انسانی	ویژگی‌های مربیان	سطح انتظارات بالا	-
		نگرش مثبت	-
		رفتار مناسب با دانش‌آموزان	*
		تعامل مناسب با والدین	*
		توانمندی علمی	*
		توجه به پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان	-
	ویژگی‌های دانش‌آموزان	روش تدریس مناسب	-
		تمایل به یادگیری مبتنی بر تلاش	-
		توجه به کارگروهی	*
زیرساخت‌های آموزشی	فضای آموزشی	مسئولیت‌پذیری	*
		موقعیت مکانی مرکز	*
		تعداد کلاس‌های آموزشی	-
		فضای آزاد (حیات و محیط ورزشی)	-
	تجهیزات آموزشی	نور، تهویه، گرمایش و سرمایش کلاس‌ها	-
		استاندارد بودن تجهیزات کلاس‌ها (میز، نیمکت، تخته و...)	*
		زیبایی بصری فضای مرکز	*
		زیبایی فرهنگی و معنوی فضای مرکز	-
	تجهیزات آموزشی	کلاس‌های هوشمند (رایانه‌های آموزشی، برد هوشمند و...)	-
		شبیه‌سازهای آموزشی	*
		تعداد کتب و نشریات آموزشی موجود	-
		تعداد کارگاه‌های آموزشی	*

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی	مفاهیم (کدها)	مبانی نظری و پیشینه
فرایندهای اجرایی	فرایند یادگیری و یاددهی	تعداد آزمایشگاه‌ها	-
		آموزش و آزمون مجازی	-
		وب سایت و شبکه اجتماعی مجازی	-
		بکارگیری روش‌های یادگیری فعال	*
		استفاده از آزمون‌های تحصیلی استاندارد	*
		استفاده درست از زمان یادگیری	*
		استفاده از تجهیزات آموزشی	-
		ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان	-
	مدیریت استعدادها	تیم مشاوره تحصیلی و تربیتی	-
		استعدادیابی دانش‌آموزان	*
		ارائه مشاوره به دانش‌آموزان مستعد	*
		پرورش استعدادهای دانش‌آموزان	*
		تشویق دانش‌آموزان	
		سنجش مستمر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان و معلمان	*
	مدیریت عملکرد	ارائه بازخورد به دانش‌آموزان و معلمان	*
		ارائه مشاوره تحصیلی به دانش‌آموزان	-
		بهبود عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان	-
		توسعه و توانمندسازی حرفه‌ای معلمان	-
		فعالیت‌های فوق برنامه (فرهنگی، ورزشی، زبان خارجی و...)	*
	توانمندسازی	ارائه مشاوره‌های شغلی به دانش‌آموزان	*
		پرورش خلاقیت و نوآوری دانش‌آموزان	
		توسعه مهارت‌های اجتماعی و شهروندی دانش‌آموزان	*
		اعطای پاداش به معلمان فعال	-
		تامین رفاه شغلی معلمان	-
نتایج	مدیریت خدمات رفاهی	تامین رفاه خانوادگی کارکنان	-
		اردوهای علمی و تربیتی	*
	عملکرد تحصیلی مرکز	نمرات دانش‌آموزان در آزمون‌ها	*
		تعداد دانش‌آموزان پذیرفته شده در دانشگاه	*
		تعداد دانش‌آموزان پذیرفته شده در المپیادها و جشنواره‌ها	*
	عملکرد اجتماعی مرکز	تعداد دانش‌آموزان پذیرفته شده در مدارس ویژه (سمپاد، شاهد، نمونه دولتی و...)	
		رضایت اولیا از عملکرد مرکز	*
		رضایت مدیریت آموزش و پرورش منطقه از عملکرد مرکز	-
		رضایت معلمان از عملکرد مرکز	-
		رضایت دانش‌آموزان از عملکرد دانش‌آموزان	-
		ارتقا برند و وجهه مرکز	*

در بعدسرمایه انسانی مراکز یعنی مربیان و دانش‌آموزان؛ مربیان باید از نظر علمی و حرفه‌ای توانمند شوند تا بتوانند بهترین روش‌های تدریس را ارائه دهند لذا آموزش مداوم آن‌ها ضروری است. همچنین فراگیران نیز باید به مشارکت در فعالیت‌ها و پروژه‌ها تشویق شوند و از انگیزه یادگیری عمیق‌تر برخوردار باشند.

بعد زیرساخت‌های آموزشی شامل فضای آموزشی مناسب و تجهیزات مدرن است؛ طراحی فضاهای آموزشی باید به گونه‌ای باشد که یادگیری را تسهیل کند و حس راحتی را برای دانش‌آموزان فراهم آورد و علاوه بر آن از طریق استفاده از فناوری‌های نوین در آموزش به بهبود فرآیند یاددهی-یادگیری کمک کند. همچنین فرآیندهای اجرایی یاددهی و یادگیری مدرسه مشتمل بر روش‌های تدریس فعال و مدیریت استعدادهاست. استفاده از روش‌های تدریس فعال که شامل مشارکت فراگیران در فرآیند یادگیری است، می‌تواند نتایج تحصیلی را بهبود بخشد. در کنار آن نیز شناسایی و پرورش استعدادها و ویژه در میان فراگیران می‌تواند به افزایش سطح تحصیلی آن‌ها منجر شود.

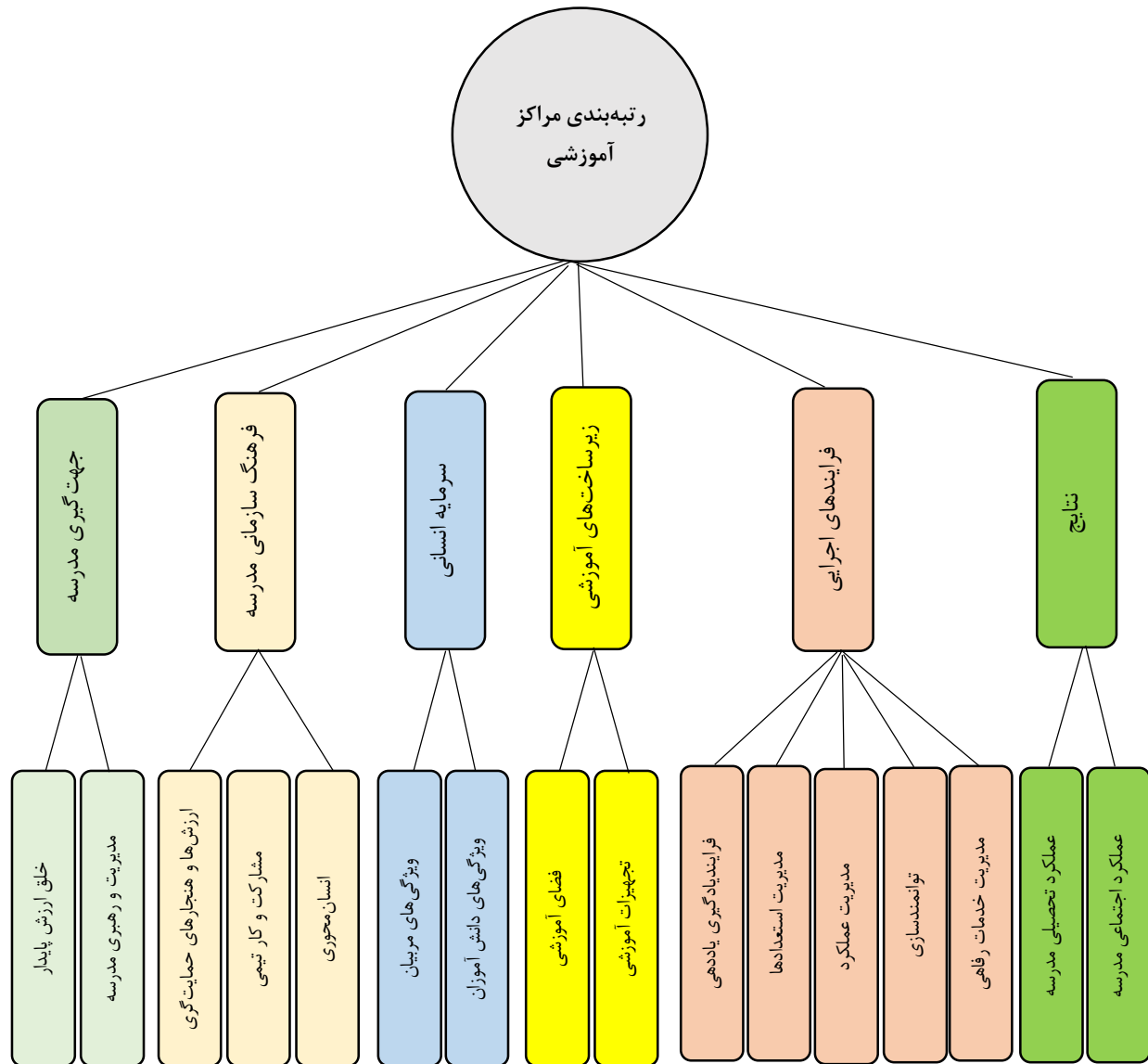
در بعد توانمندسازی و مدیریت خدمات رفاهی فراهم کردن فرصت‌های یادگیری و توسعه مهارت‌ها برای مربیان و فراگیران ضروری است و خدمات رفاهی مناسب برای کارکنان و فراگیران نیز می‌تواند به افزایش رضایت آن‌ها کمک کند. همچنین در بعد عملکرد تحصیلی و اجتماعی مرکز، دو مولفه نتایج و تاثیر اجتماعی آن به معنی ارزیابی مستمر عملکرد تحصیلی براساس معیارهای مشخص مانند رضایت دانش‌آموزان، نرخ فارغ‌التحصیلی، و اشتغال فارغ‌التحصیلان و نقش مرکز آموزشی در پاسخگویی به نیازهای جامعه و توسعه اجتماعی حایز اهمیت است.

با توجه به نتایج بخش کیفی، الگوی پژوهش با ۷۵ شاخص، ۱۶ مولفه و ۶ بعد طراحی شد که در نمودار ۱ نشان داده شده است. شرح الگوی رتبه‌بندی مراکز آموزشی مبتنی بر اهداف برنامه هفتم توسعه بدین صورت است:

جهت‌گیری استراتژیک مرکز، فرهنگ سازمانی، سرمایه انسانی، زیرساخت‌های آموزشی، فرایندهای اجرایی و نتایج، ابعاد اصلی تشکیل دهنده الگوی رتبه‌بندی مراکز آموزشی مبتنی بر اهداف برنامه هفتم توسعه می‌باشند.

جهت‌گیری مرکز شامل ارزش‌آفرینی برای ذینفعان یعنی فراگیران، مرکز و جامعه و مدیریت و رهبری موثر است. ایجاد محیطی که در آن دانش‌آموزان احساس ارزشمندی کنند و توانایی‌هایشان تقویت شود، موجب افزایش انگیزه و یادگیری مؤثرتر می‌شود. این ارزش‌آفرینی شامل برنامه‌های آموزشی متناسب با نیازهای فردی و اجتماعی است. مراکز آموزشی با تمرکز بر ارزش‌آفرینی می‌توانند به شهرت و اعتبار بیشتری دست یابند که این امر به جذب فراگیران و منابع مالی بیشتر منجر خواهد شد. درخصوص ارزش‌آفرینی برای جامعه نیز مراکز باید به نیازهای جامعه پاسخ دهند و فارغ‌التحصیلانی تربیت کنند که توانایی حل مسائل اجتماعی و اقتصادی را داشته باشند.

درحوزه مدیریت و رهبری مؤثر، رهبران باید توانایی ایجاد یک چشم‌انداز روشن و انگیزه‌بخش برای کارکنان و فراگیران را داشته باشند. و به ایجاد فرهنگ مشارکت و کار تیمی کمک کنند. همچنین ضمن ارزیابی مستمر عملکرد مربیان و فراگیران به شناسایی نقاط قوت و ضعف آنها کمک کرده و امکان بهبود مستمر را فراهم آورند. در بعد فرهنگ سازمانی حمایتی، فرهنگ سازمانی مراکز باید حامی ارزش‌های حمایت‌گری، مشارکت و کار تیمی باشد تا اعضای مرکز احساس امنیت و اعتماد کنند و از طریق تمرکز بر نیازها و خواسته‌های فراگیران و مربیان به ایجاد یک محیط یادگیری مثبت منجر شود.

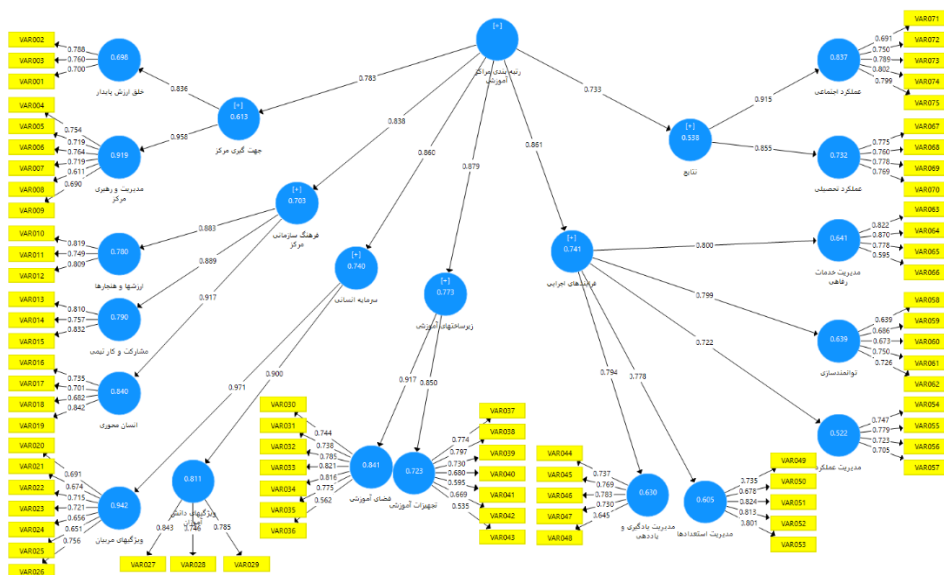


نمودار ۱. الگوی رتبه‌بندی مراکز آموزشی مبتنی بر اهداف برنامه هفتم توسعه

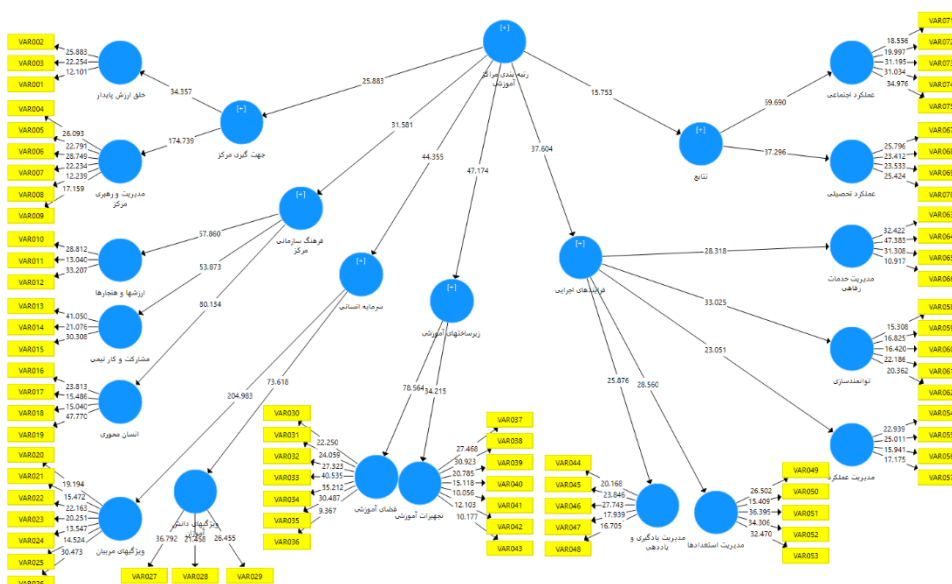
یافته‌های مرحله کمی

مبتنی بر اهداف برنامه هفتم توسعه از چه اعتباری برخوردار است؟ از طریق مدل‌سازی معادلات ساختاری به کمک نرم افزار SmartPls به دست آمد که خروجی آن در نمودارهای ۲ و ۳ نشان داده شده است.

یافته‌های مرحله کمی پژوهش در راستای پاسخ به سؤال دوم پژوهش (الگوی رتبه‌بندی مراکز آموزشی



نمودار ۲. خروجی نرم افزار در حالت تخمین استاندارد



نمودار ۳. خروجی نرم افزار در حالت ضرایب معناداری

نتایج عملکرد با ضریب استاندارد ۰/۷۳۳ عدد معناداری ۱۵/۷۵۳ تأیید شدند و این ضرایب نشان می‌دهد که مقوله‌های شناسایی شده همبستگی بالایی با رتبه‌بندی مراکز آموزشی دارند و به‌خوبی توانسته‌اند آن را تبیین نمایند. همچنین تمامی ضرایب بدست آمده معنادارند. زیرا مقدار آنها از عدد ۱،۹۶ بزرگتر و از عدد ۱،۹۶- کوچکتر است. براساس نتایج این تحلیل، همه شاخص‌های به دست آمده نیز، تأیید شدند. براساس نتایج این تحلیل، همه ۷۵

بررسی خروجی نرم افزار در حالت تخمین استاندارد و ضرایب معنی‌داری نشان داد که جهت‌گیری مرکز با ضریب استاندارد ۰/۸۷۳ عدد معناداری ۲۵/۸۸۳، فرهنگ سازمانی با ضریب استاندارد ۰/۸۳۸ عدد معناداری ۳۱/۵۸۱، سرمایه انسانی با ضریب استاندارد ۰/۸۶۰ عدد معناداری ۴۴/۳۵۵، زیرساخت‌های مرکز با ضریب استاندارد ۰/۷۸۹ عدد معناداری ۴۷/۱۷۴، فرایندهای مرکز با ضریب استاندارد ۰/۸۶۱ عدد معناداری ۳۷/۶۰۴ و

پایایی و ارزیابی پایداری درونی (سازگاری درونی) نشان داد که مقادیر آلفای کرونباخ برای تمامی متغیرها از مقدار ۰/۷ بیشتر بوده که بیان‌گر پایایی پرسشنامه است.

شاخص به دست آمده نیز، تایید شدند. در جدول ۵ شاخص‌ها و مقادیر مربوط به الگوی رتبه‌بندی مراکز آموزشی مبتنی بر اهداف برنامه هفتم توسعه نشان داده شده است. بررسی ضریب آلفای کرونباخ جهت سنجش

جدول ۳. شاخص‌ها و مقادیر الگوی رتبه‌بندی مراکز آموزشی مبتنی بر اهداف برنامه هفتم توسعه

متغیر	میانگین واریانس استخراجی (AVE)	پایایی ترکیبی	ضریب تعیین (R^2)	آلفای کرونباخ	پایایی اشتراکی
جهت‌گیری مرکز	۰/۵۳	۰/۸۲	۰/۶۱	۰/۸۳	۰/۵۳
فرهنگ سازمانی	۰/۵۴	۰/۸۴	۰/۷۰	۰/۸۰	۰/۵۴
سرمایه انسانی	۰/۵۱	۰/۸۱	۰/۷۴	۰/۷۳	۰/۵۱
زیرساخت‌ها	۰/۵۲	۰/۷۶	۰/۷۷	۰/۸۱	۰/۵۲
فرایندها	۰/۵۵	۰/۸۴	۰/۷۴	۰/۸۳	۰/۵۵
نتایج	۰/۵۴	۰/۸۴	۰/۵۴	۰/۸۷	۰/۵۴

بررسی شاخص پایایی ترکیبی^۱ مدل اندازه‌گیری نشان داد مقادیر هر سازه بالای ۰/۷ می‌باشد که نشان از پایداری درونی مناسب برای مدل اندازه‌گیری دارد. همچنین بررسی معیار پایایی اشتراکی^۲ نیز نشان داد که مقادیر به دست آمده برای هر سازه بیشتر از ۰/۵ بود که نشان دهنده قابلیت تعمیم‌پذیری مدل در یک نمونه دیگر از همان جامعه است. معیار ضریب تعیین (R^2) متغیرهای مکنون

درون‌زای مدل محاسبه شد و نتایج با سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ به عنوان مقدار ملاک برای مقادیر ضریب تعیین ضعیف، متوسط و قوی مقایسه شد با توجه به جدول ۴ متوسط مقادیر ضریب تعیین متغیرها برابر با ۰/۶۸ بود که بزرگتر از مقدار ۰/۳۳ بوده و موید برازش مناسب مدل است.

جدول ۴. میزان پایایی اشتراکی و ضریب تعیین متغیرها

متغیر	پایایی اشتراکی	ضریب تعیین
جهت‌گیری مرکز	۰/۵۳	۰/۶۱
فرهنگ سازمانی	۰/۵۴	۰/۷۰
سرمایه انسانی	۰/۵۱	۰/۷۴
زیرساخت‌ها	۰/۵۲	۰/۷۷
فرایندها	۰/۵۵	۰/۷۴
نتایج	۰/۵۴	۰/۵۴
میانگین	۰/۵۳	۰/۶۸
GOF	۰/۸۰	$\sqrt{AveR^2 \times (Ave\ of\ communalities)}$

میانگین Communalities^۲ نشانه میانگین مقادیر اشتراکی هر سازه بوده و $Ave\ R^2$ سازه‌های درون‌زای مدل است. با توجه به مقادیر جدول ۴ و سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۵ به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای

برازش کلی الگو نیز از طریق معیار GOF بررسی شد. این معیار طبق فرمول زیر محاسبه می‌گردد:

فرمول (۱)

$$\sqrt{AveR^2 \times (Ave\ of\ communalities)}$$

^۲ Commuality

^۱ CR (Composit reliability)

GOF و حصول عدد ۰/۶۰، نشان از برازش بسیار مناسب نتایج تحقیق است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

رتبه‌بندی مراکز آموزشی شامل رویکردی نظام‌مند برای ارزیابی و مقایسه آنها بر اساس معیارهای مختلف است. و نقش مهمی در شکل‌گیری ادراک از کیفیت آموزشی و هدایت فرآیندهای تصمیم‌گیری برای دانش‌آموزان، والدین و مدیران و رهبران آموزشی دارند. رتبه‌بندی مراکز آموزشی با تأثیرگذاری بر انتخاب‌های دانش‌آموزان، استراتژی‌های سازمانی، فرصت‌های تأمین مالی و تصمیم‌گیری‌های سیاست‌گذاران، نقش مهمی در شکل‌دهی چشم‌انداز آموزشی نیز ایفا می‌کند. چرا که مراکز آموزشی با کارکردهای متعدد خود قادرند مسیر توسعه کشورها را هموار سازند و با اعمال کارکردهای عمده خود می‌توانند یکی از نقش‌های مهمی در تغییر و تحول فرهنگی و اجتماعی جامعه ایفا نمایند. ارتقا کیفیت خدمات، بهبود عملکرد و استفاده از ظرفیت‌های مراکز آموزشی، تعیین جایگاه مراکز آموزشی در میان مراکز هم نوع خود از لحاظ میزان دستیابی به استانداردهای تعیین شده و دادن اطلاعات صحیح به شهروندان جهت کمک به انتخاب بهتر مراکز آموزشی، مستلزم تعیین معیارها و شاخص‌هایی جهت ارزیابی و رتبه‌بندی آنهاست که در برنامه هفتم توسعه نیز مورد تأکید قرار گرفته است. به منظور فراهم ساختن شناخت مورد نیاز برای رتبه‌بندی مراکز آموزشی مبتنی بر اهداف برنامه هفتم توسعه کشور، پژوهش حاضر به طراحی الگوی رتبه‌بندی مراکز آموزشی مبتنی بر اهداف برنامه هفتم توسعه پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان داد که جهت‌گیری استراتژیک مرکز، فرهنگ سازمانی، سرمایه انسانی، زیرساخت‌های آموزشی، فرآیندهای اجرایی و نتایج ابعاد

اصلی تشکیل دهنده این الگو هستند. در ادامه به تبیین و تشریح این عوامل پرداخته می‌شود:

نخستین بعد الگو جهت‌گیری استراتژیک مرکز است که شامل دو مولفه خلق ارزش پایدار و شیوه مدیریت و رهبری مرکز می‌باشد. تلاش برای ارزش آفرینی برای جامعه، مرکز و دانش‌آموزان، در کنار سبک مدیریت و رهبری که در تلاش برای شناخت نیازهای دانش‌آموزان و کمک به آنان است؛ واجد تفکر بلندمدت (استراتژیک) است و به مشارکت دادن دانش‌آموزان و والدین آنها در امور مرکز

می‌پردازد و به کنترل استراتژیک امور مرکز می‌پردازد، از ویژگی‌های مهم جهت‌گیری استراتژیک مرکز می‌باشد. این یافته با نتایج پژوهش پایخوان و همکاران (۱۴۰۲) نیز سازگار است که نشان دادند مدیریت و رهبری هوشمند به عنوان بااهمیت‌ترین پیشران کسب مزیت رقابتی آموزش می‌باشد؛ در مطالعه پورپاشا و علی اکبری (۱۴۰۱) نیز عوامل مدیریتی به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر کیفیت آموزش تعیین گردید؛ همچنین در مطالعه فیجلیو و همکاران (۲۰۱۹) نیز تأثیر جهت‌گیری بلند مدت بر عملکرد آموزشی موسسه تأیید شد که با نتایج این مطالعه همخوانی دارد.

دومین بعد الگو، فرهنگ سازمانی است که دارای سه مولفه ارزش‌ها و هنجارهای حمایت‌گری، مشارکت و کار تیمی و انسان‌محوری است. توجه مرکز به توسعه و تعالی دانش‌آموزان، حمایت از توسعه و تعالی معلمان و توجه به ارزش‌ها و هنجارهای جامعه، مهمترین ارزش‌ها و هنجارهای حمایت‌گری مرکز را تشکیل می‌دهد. مضاف بر آن همکاری و کار تیمی، اشتراک ایده‌ها و نظرات و مسئولیت‌پذیری در تیم در کنار مقوله انسان‌محوری یعنی توجه به مشکلات دانش‌آموزان، توجه به امنیت جسمی و روانی دانش‌آموزان و محوریت دانش‌آموزان در برنامه‌ریزی‌های مرکز مهمترین ویژگیهای فرهنگ سازمانی مرکز را تشکیل می‌دهند.

مهمترین ویژگیهای تشکیل دهنده تجهیزات و امکانات آموزشی مراکز می‌باشند. در مطالعات انجام شده توسط رشیدی و رشیدی (۱۴۰۱)، غفاری و شیروانی (۱۳۹۶) و سان و همکاران (۲۰۲۳) نیز تجهیزات هوشمند و محتوای آموزشی به عنوان یکی مهمترین مولفه‌های کیفیت آموزشی تعیین شده است که با نتایج این مطالعه هموایی دارد.

پنجمین بعد الگو شامل فرایندهای اجرایی می‌باشد که شامل مولفه‌های فرایند یادگیری و یاددهی، مدیریت استعدادها، مدیریت عملکرد،

توانمندسازی و مدیریت خدمات رفاهی می‌باشد. بکارگیری روش‌های یادگیری فعال، استفاده از آزمون-های تحصیلی استاندارد در کنار استفاده درست از زمان یادگیری، استفاده از تجهیزات آموزشی و کمک آموزشی و ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان، جزو مهمترین ویژگی‌های فرایندهای یادگیری و یاددهی می‌باشد. علاوه بر آن وجود تیم مشاوره تحصیلی و تربیتی، انجام استعدادیابی از دانش‌آموزان، ارائه مشاوره به دانش‌آموزان مستعد و پرورش استعدادهای دانش‌آموزان در کنار تشویق دانش-آموزان جزو مهمترین فرایندهای مدیریت استعداد در مراکز آموزشی هستند. در کنار مدیریت استعدادها، فرایندهای سنجش مستمر عملکرد تحصیلی دانش-آموزان و معلمان، ارائه بازخورد به دانش‌آموزان و معلمان، ارائه مشاوره تحصیلی به دانش‌آموزان و تلاش برای بهبود عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان در قالب فرایندهای مدیریت عملکرد انجام می‌شود. علاوه بر این فرایندهای توانمندسازی شامل توسعه و توانمندسازی حرفه‌ای معلمان، انجام فعالیت‌های فوق برنامه فرهنگی، ورزشی، زبان خارجی و... در کنار ارائه مشاوره‌های شغلی به دانش‌آموزان صورت می‌گیرد. علاوه بر آن تلاش می‌گردد ضمن پرورش خلاقیت و نوآوری دانش‌آموزان نسبت به توسعه مهارت‌های اجتماعی و شهروندی دانش‌آموزان نیز اقدام شود که همگی این فعالیت‌ها جزو فرایندهای

سومین بعد الگو شامل سرمایه انسانی است که مشتمل بر دو مولفه ویژگی‌های مربیان و ویژگی‌های دانش‌آموزان می‌باشد. مربیان مراکز آموزشی از سطح انتظارات بالایی نسبت به عملکرد دانش‌آموزان برخوردارند، نگرش مثبت نسبت به مدرسه و دانش‌آموزان دارند، برخورد و رفتار مناسبی با دانش‌آموزان و والدین آنها دارند و از توانمندی علمی خوبی برخوردارند و ضمن استفاده از روش‌های تدریس مناسب، نسبت به توجه به پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان اهمیت قایل هستند. در کنار این ویژگی‌ها، دانش‌آموزان مرکز دارای تمایل زیادی نسبت به یادگیری مبتنی بر تلاش بوده، به کارگروهی توجه دارند و مسئولیت‌پذیر هستند. نتیجه مطالعه مطالعه اژدری و همکاران (۱۴۰۱) نیز نشان داد تعداد منابع انسانی جزو یکی از مهمترین معیارهای ارزیابی عملکرد مراکز آموزشی می‌باشد. همچنین نتیجه مطالعه روانی زاده و همکاران (۱۴۰۳) نیز نشان داد که ارتباطات و مشارکت‌ها بر عملکرد آموزشی موسسه تاثیر دارد که با یافته‌های این مطالعه همسویی دارد.

چهارمین بعد الگو شامل زیرساخت‌های آموزشی است که شامل دو مولفه فضای آموزشی و تجهیزات و امکانات آموزشی است. موقعیت مکانی مرکز و سهولت در دسترسی به آن، تعداد کلاس‌های آموزشی و تناسب آن با تعداد فراگیران در کنار فضای آزاد (حیاط و محیط ورزشی)، نور، تهویه، گرمایش و سرمایش کلاس‌ها جزو مهمترین ویژگی‌های فضای آموزشی مراکز هستند که بایستی از استانداردهای لازم برخوردار باشند و از زیبایی-های بصری و زیبایی فرهنگی و معنوی لازم جهت جذب دانش‌آموزان و والدین آنها برخوردار باشند.

علاوه بر آن وجود کلاس‌های هوشمند که از رایانه‌های آموزشی، بردهوشمند و... برخوردارند، استفاده از شبیه-سازهای آموزشی در کنار کتب و نشریات آموزشی مرکز، کارگاه‌های آموزشی و آزمایشگاه‌ها و امکانات آموزش و آزمون مجازی و وبسایت و شبکه اجتماعی مجازی از

توانمندسازی مرکز می‌باشد. علاوه بر این اعطای پاداش به معلمان فعال، تلاش برای تامین رفاه شغلی و خانوادگی معلمان و برگزاری اردوهای علمی و تربیتی نیز در قالب فرایندهای مدیریت خدمات رفاهی در مراکز آموزشی اجرا می‌گردد.

در مطالعه رشیدی و رشیدی (۱۴۰۱) و انجیرو و همکاران (۲۰۲۰) نیز راهبردهای یادگیری/یاددهی به عنوان یکی از مهمترین عوامل موثر بر کیفیت آموزش تعیین شدند. در مطالعه غفاری و شیروانی (۱۳۹۶) نیز توانمندسازی معلمان به عنوان مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی عملکرد مدارس تعیین گردیده است که با یافته‌های این مطالعه همخوانی دارد.

طبق نتایج به دست آمده، ششمین بعد الگو شامل نتایج می‌باشد که شامل عملکرد تحصیلی و عملکرد اجتماعی مرکز می‌باشد. نمرات دانش‌آموزان در آزمون‌های پایان دوره و طول دوره تحصیلی، تعداد دانش‌آموزان پذیرفته شده در دانشگاه‌ها، المپیادها و جشنواره‌های مختلف علمی و تعداد دانش‌آموزان پذیرفته شده در مدارس ویژه (سمپاد، شاهد، نمونه دولتی و...) جزو مهمترین شاخصهای عملکرد تحصیلی مراکز آموزشی هستند. علاوه بر این رضایت اولیا از عملکرد مرکز، رضایت مدیریت آموزش و پرورش منطقه از عملکرد مرکز، رضایت معلمان و دانش‌آموزان از عملکرد مرکز در کنار ارتقا برند، وجهه و شهرت اجتماعی مرکز، جزو مهمترین شاخص‌های تشکیل‌دهنده عملکرد اجتماعی مراکز آموزشی می‌باشند. در مطالعه سان و همکاران (۲۰۲۳) و جلال و همکاران (۲۰۱۹) نیز نتایج تحصیلی نیز به عنوان نتایج عملکرد مراکز آموزشی تعیین شده‌اند که با یافته‌های این تحقیق همخوانی دارد.

تفاوت پژوهش حاضر با پژوهش‌های انجام شده قبل آن است که هیچ یک از پژوهش‌های انجام شده، الگویی برای رتبه‌بندی مراکز آموزشی مبتنی بر اهداف برنامه هفتم توسعه، ارائه نکرده‌اند. این پژوهش یکی از

پژوهش‌هایی است که در آن پژوهش‌گران به صورت جامع ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های الگوی رتبه‌بندی مراکز آموزشی مبتنی بر اهداف برنامه هفتم توسعه را از طریق بررسی مبانی نظری و مصاحبه با خبرگان بررسی نموده و بینشی جدید و ارزشمند در این زمینه ارائه داده‌است که می‌تواند درکی عمیق‌تر از پیشینه موجود را ارائه نموده و نقطه شروع مهمی برای مطالعات علمی بیشتر در مورد تحقق اهداف برنامه هفتم توسعه کشور از طریق ارتقا سطح کیفیت نظام آموزش و پرورش و رتبه‌بندی مراکز آموزشی باشد.

یافته‌های این پژوهش می‌تواند در اتخاذ تدابیر و تمهیداندیشی جهت استقرار نظام رتبه‌بندی واحدهای آموزشی و ایجاد فضای رقابتی میان واحدهای آموزشی در سطح کشور و متعاقب آن تحقق اهداف برنامه هفتم توسعه کشور مؤثر باشد. باتوجه به یافته‌های پژوهش می‌توان گفت توجه ویژه به رتبه‌بندی مراکز آموزشی و ابعاد آن شامل سرمایه انسانی، نتایج عملکرد مدرسه، فرهنگ سازمانی، زیرساخت‌های آموزشی، فرایندهای اجرایی و جهت‌گیری مدرسه ضروری است؛ چرا که سرمایه انسانی از راه‌های تفکر و رفتارهای مناسب می‌تواند است که ارزش‌ها و گرایش‌های مدرسه را شکل داده و ضمن ایجاد انگیزه در فراگیران، شرایط لازم برای رشد و پرورش آنان را مهیا سازد. بنابراین ایجاد رقابت بین مراکز آموزش از طریق استقرار نظام رتبه‌بندی مدارس از طریق به کارگیری شاخصهای ارائه شده در این پژوهش بسیار هوشمندانه است و راه پیشبرد اهداف برنامه هفتم توسعه در حوزه آموزش و پرورش را هموار می‌سازد و ابزار رشد، موفقیت و ارتقا مدارس را در اختیار مدیران آموزشی قرار می‌دهد.

شاخص‌های ارائه شده در این پژوهش می‌تواند چارچوبی را برای انجام یک تحلیل مقایسه‌ای از مراکز آموزشی در جهت کمک به دانش‌آموزان، والدین و سیاست‌گذاران در تصمیم‌گیری آگاهانه کمک نماید و مبنایی برای ارزیابی

○ رعایت شان و منزلت انسانی معلمان و ارزشمند شمردن دانش و تخصص آنان در تعاملات سازمانی و فردی.

○ ارتقا سطح روحیه و انگیزه و توانمندی معلمان و دانش‌آموزان از طریق برگزاری اردوهای تفریحی، علمی و فرهنگی و...

از آنجایی که در پژوهش‌های کیفی، پدیده‌ها در بستر وقوع شان مورد مطالعه قرار می‌گیرند، نتایج به دست آمده نیز منحصر به بستر مورد مطالعه بوده و امکان تعمیم‌پذیری نتایج و یافته‌ها به دیگر شرایط و موقعیت‌ها محدود است؛ از آنجایی که نتایج پژوهش حاضر با اتکا به دیدگاه‌ها و تجربیات اساتید و خبرگان آموزش و پرورش شهرستان کازرون حاصل شده؛ بنابراین به راحتی نمی‌توان نتایج پژوهش حاضر را به سایر سازمان‌ها تعمیم داد. محققان آینده می‌توانند نسبت به طراحی الگوی بومی رتبه‌بندی مراکز آموزشی در سایر استانها اقدام نموده و نتایج حاصل را با یافته‌های این تحقیق مقایسه نمایند.

کیفیت آموزشی و عملکرد سازمانی مراکز عمل کند. همچنین می‌تواند به طور قابل توجهی بر تصمیمات مالی دولت و حامیان بخش خصوصی در جهت تعیین معیاری برای حمایت مالی و کاهش نابرابری نیز مفید باشد.

براساس این نتایج می‌توان گفت به منظور تقویت رتبه عملکردی مراکز آموزشی، توجه به مولفه‌های جهت گیری مرکز، فرهنگ سازمانی، سرمایه انسانی، زیرساخت‌ها و فرایندهای اجرایی شناسایی شده ضروری است و راهکارهایی که به این منظور به کار گرفته می‌شوند باید با توجه به اهمیت تاثیرگذاری این عوامل اتخاذ شوند. پیشنهادهای اجرایی و کاربردی زیر در راستای دستیابی به این هدف قابل ارائه است:

- مشخص نمودن و شفاف سازی جهت‌گیری استراتژیک مراکز آموزشی در طراحی برنامه‌های راهبردی و عملیاتی مراکز آموزشی
- ترویج سبک رهبری مربی‌گرایانه و تحول‌گرا در مراکز آموزشی از طریق توسعه و توانمندسازی مدیران و رهبران آموزشی مراکز آموزشی و تبیین اهمیت آن برای مراکز
- تامین سرمایه انسانی مورد نیاز مراکز آموزشی از طریق برنامه‌ریزی منابع انسانی.
- ترویج ارزش‌ها و هنجارهای حمایت‌گری، ایجاد مشارکت مشتاقانه و کار تیمی در مراکز آموزشی و تاکید بر انسان محوری در برنامه‌ریزی‌های سازمانی جهت تقویت فرهنگ سازمانی مربی‌گرایانه از طریق تاکید مدیران در گفتار و رفتار.
- تامین و به روز رسانی زیرساخت‌های فناورانه و تجهیزاته آموزشی هوشمند مراکز آموزشی.
- ترویج روابط همدلانه، صمیمانه و نزدیک میان مراکز آموزشی و اولیا در جوی غیررسمی و دوستانه

منابع

منابع فارسی:

اسماعیلی، ندا. گل افشانی، علی. کاوان مریم (۱۳۹۸). عوامل مؤثر بر رویکرد بهبود مدیریت کیفیت آموزشی در آموزش علوم پزشکی. تعالی بالینی. ۹ (۲): ۱-۱۰

اژدری، زمان. عبداللهی، حسین. برزویان، صمد. طاهری، مرتضی. ابراهیم پور ازبری، مصطفی. (۱۴۰۱). ارزیابی عملکرد مراکز آموزشی با استفاده از شبکه عصبی مصنوعی (مورد مطالعه: یکی از سازمان‌های دولتی کشور)، آموزش و توسعه منابع انسانی، ۳۴، ۱۹۱-۱۶۳.

برنامه هفتم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور

بزرگی‌نژاد، خدیجه. زارعی، رضا. امیریان زاده، مژگان. خیر، محمد. (۱۴۰۱). ارائه الگوی برای رتبه‌بندی مدارس غیر دولتی با رویکرد ذی‌نفعان و اسناد بالادستی، مطالعات آموزشی و آموزشگاهی، ۱۱ (۲)، ۲۷۱-۲۹۸.

پایخوان، حمیرا. زمانی مقدم، افسانه. شعبان نژاد، رضا. (۱۴۰۲). شناسایی، اعتباریابی و رتبه‌بندی پیشران‌های آموزش کسب مزیت رقابتی مراکز آموزش عالی. فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی، ۱۷ (۲): ۱۶۳-۱۲۲.

پورپاشا، محمدمهدی. علی اکبری، منا. (۱۴۰۱). بکارگیری تکنیک دیمتل در شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر کیفیت آموزش در مراکز فنی حرفه‌ای غرب استان مازندران، پژوهش‌های برنامه‌ریزی درسی و آموزشی، ۱۲ (۱)، ۷۵-۸۸.

رستم‌زاده، پرویز. نصیرآبادی، شهره. (۱۳۹۶). بررسی تطابق برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با اقتصاد اسلامی، با تأکید بر برنامه چهارم، پنجم و لایحه برنامه ششم، فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۱۸، ۲۲-۷.

رشیدی، زینب. رشیدی، حسن. (۱۴۰۱). مدلی برای رتبه‌بندی گروه‌های آموزشی در دانشگاه‌های ایران. پژوهش در نظام‌های آموزشی، ۱۶ (۵۷): ۲۰-۵.

رواسی‌زاده، محمد. افکار، عادل. سلیمانی، مجید. (۱۴۰۳). مطالعه کیفی تدوین شاخص‌ها و معیارهای ارزیابی عملکرد دفتر تربیت بدنی و فعالیت‌های ورزشی وزارت آموزش و پرورش. نشریه مدیریت ورزشی. doi: 10.22059/jsm.2024.369284.3232

ستوده، رضا. هیراد، علیرضا. سرحدی، الهه. (۱۴۰۳). تبیین الگوی نظارت و ارزیابی عملکرد سازمانی شرکت‌های بازرگانی کشور. پژوهش‌های نوین در ارزیابی عملکرد، ۱۳ (۱)، ۲۲-۱۱. doi: 10.22105/mrpe.2024.447861.1092

شفیعی، مرتضی. بازیار، شهاب. (۱۳۹۷). طراحی یک مدل تحلیل پوششی داده‌های غیرمحدب (FDH) برای ارزیابی عملکرد دبیرستان‌های شهرستان رستم. رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۹ (۳) (پیاپی ۳۵)، ۱۷۳-۱۴۷.

غفاری، سعید. شیروانی، عاطفه. (۱۳۹۶). ارزیابی عملکرد مدارس غیردولتی شهر تهران با مدل ترکیبی کارت امتیازی متوازن (BSC) و تحلیل پوششی داده‌های بازه‌ای (IDEA). پژوهش در نظام‌های آموزشی، ۱۱ (۳۸)، ۲۱۷-۱۹۵.

مصطفوی، سیدمحمد. (۱۳۹۶). مروری بر برنامه‌های توسعه کشور با تأکید بر برنامه ششم و مقایسه آنها با معیار برخی شاخص‌های مرتبط با اقتصاد اسلامی، فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۱۸، ۱۰۴-۸۳.

نوابخش، مهرداد. امیرارجمندی، سیده زهرا. ساروخانی، باقر. (۱۴۰۲). تحلیل گفتمان سیاست‌های علم و فناوری در برنامه‌های توسعه (مطالعه موردی برنامه پنجم توسعه)، فصلنامه علمی مطالعات میان‌فرهنگی، ۱۸ (۵۴)، ۱۲۲-۱۹۵. ورعی، محمد. احمدی، عباداله. (۱۴۰۲). مدلی برای ارتقا کیفیت آموزشهای فنی و حرفه‌ای، رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۲ (۱)، ۲۰-۴۲.

Economic Journal: Economic Policy, 11(4), 272-309.

Garcia-Rodriguez, F. J., & Gutierrez-Tano, D. (2024). Loyalty to higher education institutions and the relationship with reputation: An integrated model with multi-stakeholder approach. *Journal of Marketing for Higher Education*, 34(1), 223-245.

Gilal, F. G., Ashraf, Z., Gilal, N. G., Gilal, R. G., & Channa, N. A. (2019). Promoting environmental performance through green human resource management practices in higher education institutions: A moderated mediation model. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, 26(6), 1579-1590.

Houston, D. M., Henderson, M., Peterson, P. E., & West, M. R. (2022). Status, growth, and perceptions of school quality. *Educational Evaluation and Policy Analysis*, 44(1), 105-126.

Judijanto, L., Manu, C. M. A., Sitopu, J. W., Mangelep, N. O., & Hardiansyah, A. (2024). The Impact of Mathematics in Science and Technology Development. *International Journal of Teaching and Learning*, 2(2), 451-458.

Karshiyev, A. A., Mamatkulova, U. E., & Shobutayev, Q. S. (2019). IMPLEMENTATION OF A QUALIMETRIC APPROACH IN MANAGING THE QUALITY OF EDUCATION OF STUDENTS OF A MODERN UNIVERSITY. *European Journal of Research and Reflection in Educational Sciences*, 2019.

Mittal, A., Kumar, V., Verma, P., & Singh, A. (2024). Evaluation of organizational variables of quality 4.0 in digital transformation: the study of an Indian

منابع انگلیسی:

Bellei, C., & Munoz, G. (2023). Models of regulation, education policies, and changes in the education system: a long-term analysis of the Chilean case. *Journal of Educational Change*, 24(1), 49-76.

Clougherty, J. A., & Grajek, M. (2023). Decertification in quality-management standards by incrementally and radically innovative organizations. *Research Policy*, 52(1), 104647.

Creswell, J. W. (2014). *A concise introduction to mixed methods research*. SAGE publications.

Demir, A., Maroof, L., Sabbah Khan, N. U., & Ali, B. J. (2021). The role of E-service quality in shaping online meeting platforms: a case study from higher education sector. *Journal of Applied Research in Higher Education*, 13(5), 1436-1463.

de Souza Zanirato Maia, J., Bueno, A. P. A., & Sato, J. R. (2021). Assessing the educational performance of different Brazilian school cycles using data science methods. *PLOS ONE*, 16(3), 1-14.

Díez, F., Villa, A., López, A. L., & Iraurgi, I. (2020). Impact of quality management systems in the performance of educational centers: educational policies and management processes. *Heliyon*, 6(4).

Fauzi, F., Tuhuteru, L., Sampe, F., Ausat, A. M. A., & Hatta, H. R. (2023). Analysing the role of ChatGPT in improving student productivity in higher education. *Journal on Education*, 5(4), 14886-14891.

Figlio, D., Giuliano, P., Özek, U., & Sapienza, P. (2019). Long-term orientation and educational performance. *American*

managers' perceptions of effectiveness. In *Impact Evaluation of Quality Management in Higher Education* (pp. 24-37). Routledge.

Shosha, G. A. (2012). Employment of Colaizzi's strategy in descriptive phenomenology: A reflection of a researcher. *European Scientific Journal*, 8(27).

Simionescu, C., Marcu, D., & Măciucă, M. S. (2024). Toward Better Education Quality through Students' Sentiment Analysis Using AutoML. *BRAIN. Broad Research in Artificial Intelligence and Neuroscience*, 15(2), 320-343.

Sun, Y., Wang, D., Yang, F., & Ang, S. (2023). Efficiency evaluation of higher education systems in China: A double frontier parallel DEA model. *Computers & Industrial Engineering*, 176, 108979.

Taraza, E., Anastasiadou, S., Papademetriou, C., & Masouras, A. (2024). Evaluation of Quality and Equality in Education Using the European Foundation for Quality Management Excellence Model—A Literature Review. *Sustainability*, 16(3), 960.

manufacturing company. *The TQM Journal*, 36(1), 178-207.

Moscato, J. (2023). Evaluating organizational performance using smartpls: A management perspective. *APTISI Transactions on Management*, 7(3), 273-281.

Njiru, S. M., Karuku, S., & Nyaga, M. N. (2020). Performance rankings in education: Implications for policy and practice.

Ngoc, N. M., & Tien, N. H. (2023). Quality of Scientific Research and World Ranking of Public and Private Universities in Vietnam. *International journal of public sector performance management*.

Powell, C. (2003). The Delphi technique: myths and realities. *Journal of advanced nursing*, 41(4), 376-382.

Rolfe, V., Hansen, K. Y., & Strietholt, R. (2022). Integrating educational quality and educational equality into a model of mathematics performance. *Studies in Educational Evaluation*, 74, 101171.

Seyfried, M., & Pohlenz, P. (2020). Assessing quality assurance in higher education: quality



Ranking Model of Educational Centers Based on the Goals of the 7th Development Plan

Amirhossein Jamshidi

Department of educational Science, kazerun Branch, Islamic Azad University, kazerun, Iran.
amirhossein.jamshidi51@gmail.com

Farahnaz Mashayekh (Corresponding Author)

Department of educational Science, kazerun Branch, Islamic Azad University, kazerun, Iran.
(Corresponding Author)

Pari Mashayekh

Department of educational Science, kazerun Branch, Islamic Azad University, kazerun, Iran.

Abstract:

Background and purpose: educational centers provide the necessary infrastructure and platform for the development of the country's human capital. The main goal of the current research was to design a ranking model for educational centers based on the goals of the 7th Development Plan. **Methodology:** To achieve this goal, the researchers used a mixed sequential exploratory approach, so that in the qualitative stage, using the method of content analysis, dimensions, components and indicators of the rating model of educational centers based on goals. The 7th development program was calculated through semi-structured interviews with 16 experts, so at this stage, six main categories and sixteen subcategories with seventy-five indicators were obtained. In the quantitative phase, structural equation modeling was used to validate the calculated factors, so that a questionnaire based on the calculated factors in the qualitative phase was designed and distributed among 120 school principals in Kazerun city, to find out the relationships between the indicators. and categories to be evaluated. Quantitative phase data were analyzed using Smart PLS version 3 software.

Findings: The findings from two qualitative and quantitative stages showed that the ranking pattern of educational centers based on the objectives of the 7th Development Plan includes the orientation of the center (creating sustainable value and management and leadership of the center), organizational culture (values and norms support, partnership and team work and human-centered), human capital (characteristics of instructors and characteristics of students), infrastructures (educational space and educational equipment), executive processes (learning and teaching process, management talents, performance management, empowerment and management of welfare services) and results (academic performance of the center and social performance of the center). Quantitative analyzes also confirmed the significance of the relationship between the desired indicators and components.

Conclusion: The results of this research can be useful for measuring the performance and ranking of educational centers based on the objectives of the 7th Development Plan.

Key words: Ranking, Educational Centers, Seventh Development Plan